

شکوه و حماسه

ویژه‌نامه هنرآنلاین با نگاهی به
رویش‌های هنرهای تجسمی

+

میکائیل براتی:

رشد عرصه گرافیک و طراحی در
۱۵ سال اخیر بی‌نظیر بوده است

+

علی بخشایش:

جنگ رسانه‌ای امروز،
ظرفیت هنرمندان
انقلابی را رشد می‌دهد

+

محمدرضا ملاحسنی:

اولویت اصلی‌ام در
طراحی، فلسطین و
مسائل سیاسی بود

+

علی لادن:

ایده اثرم را از مصاحبه
نتانیاهاو گرفتم

+

بهنام شیرمحمدی:

تلفیق داستان ابابیل و
پهپادها سوژه طراحی‌ام شد

+

زهرا باقرنژاد:

قداست و انرژی نقاشی خط
قرآنی را کاملاً حس کرده و دیده‌ام

+

عبدالحمید قدیریان:

زبان هنر از دیپلماسی هم
تاثیرگذارتر است

+

مرتضی اسدی:

هنرمند نمی‌تواند نسبت
به ظلم و نسل‌کشی
بی‌تفاوت باشد

+

مسعود نجابتی:

تحقق اهداف انقلاب،
مستلزم انسجام
گروه‌های هنری است

+

مجید قادری:

دیدن آثارمان
در سنگ و

حسینیه‌های

مناطق جنگی

خیلی جالب بود

+

علی حیاتی:

مهم‌ترین مسئله هنر
انقلاب مسئله نیروی
انسانی است



خادمه الرضا شهید خدای



زبان هنر از دیپلماسی هم تاثیرگذارتر است

به روایت عبدالحمید قدیریان

جلوگیری از دروغ پراکنی و ایران هراسی خبرگزاری های صهیونیست، تاثیر بسیار خوبی در تغییر نگرش ملت ها خواهد داشت. این هنرمند تاکید کرد: هنر ایران بسیار متنوع، گسترده و عمیق است و با پنج یا ده اثر نمی توان هنر ایران را نمایندگی کرد، اما آن چیزی که در این نمایشگاه اهمیت بالایی دارد، این است که با انتخاب این پنج اثر نقاشی، دغدغه عموم جامعه ایرانی که دغدغه ای انسانی است به جهانیان منتقل می شود چون موضوع همه این تابلوها درباره کودکان غزه است. وی اضافه کرد: اینکه ایران با این موضوعات وارد میدان شده هم یک حرکت به روز است و هم بیانگر دغدغه جهانی است و نگرش بسیاری از هنرمندان در رابطه بحث غزه و اتفاق ضد انسانی که آنجا می افتد را به تصویر می کشد و جامعه جهانی را به استفاده از هنر برای بیان دغدغه های انسانی دعوت می کند. این نقاش پیشکسوت در پایان تصریح کرد: این آثار می تواند وجدان عمومی ایرانیان را نمایندگی کند که دلسوزانه با جنایت و کشتاری که در غزه برای کودکان اتفاق افتاد همدردی می کنند و جامعه جهانی هم متوجه می شوند که هنرمند ایرانی نسبت به این وقایع بی تفاوت نیست و همیشه نگاه انسانی اش را مطرح و با وجدان انسانی جهانی همراهی می کند.

چهره هنر انقلاب گفت: استفاده از هنر در جامعه جهانی حتی از اقداماتی که دستگاه دیپلماسی ما انجام می دهد، می تواند تاثیرگذارتر و ماندگارتر باشد. عبدالحمید قدیریان، هنرمند پیشکسوت نقاش، طراح صحنه سینما و چهره هنر انقلاب در سال ۱۴۰۰، از جمله هنرمندانی است که در پائون جمهوری اسلامی ایران در شصتمین بینال ونیز حضور دارد. قدیریان در گفتگو با هنرآلایین در خصوص اهمیت و جایگاه این رویداد هنری گفت: به طور کلی مجامع هنری و فستیوال هایی که بشود در آنها دغدغه های ایران و نگاه جامعه ایرانی را مخصوصاً با آثار هنری و فرهنگی به کشورهای دیگر منتقل کرد، می تواند نگاه جامعه جهانی به ایران و ایرانی را ارتقا دهد و این امر بسیار اهمیت دارد. قدیریان با اشاره به اینکه مدیران فرهنگی ایران تصمیم گرفته اند که با پنج تابلوی نقاشی و آثاری از استاد محمد احصابی در بینال ونیز حضور یابند، گفت: در فضای کنونی جهان که ایران به عنوان یک بازیگر جدی در منطقه و شاید در جهان مطرح است، حضور فرهنگی ایران مهم است. بیان دغدغه های الهی و انسانی جامعه ی ایرانی برای

WWW.SHALMOON.IR
©ShalmoonTanz





هنرمند نمی‌تواند نسبت به ظلم و نسل‌کشی بی‌تفاوت باشد

به روایت مرتضی اسدی

ویرانی و کشتار به بار می‌آورد. جنگ باعث می‌شود نوزادی که هنوز به دنیا نیامده، زیر خروارها خاک مدفون و پیکرش متلاشی شود. فرقی نمی‌کند این ظلم در فلسطین رخ دهد یا در ساریوو و یا در هر نقطه‌ای از جهان که اتفاق بیفتد، من به عنوان یک نقاش سعی می‌کنم نسبت به آن بی‌تفاوت نباشم. این هنرمند عنوان کرد: این تابلو حاصل عدم بی‌تفاوتی من نسبت به فجایع غزه بود. البته تابلوهای دیگری را هم طی سال‌های گذشته در همین زمینه کار کرده‌ام؛ از جمله اثر «صلح خونین، از فلسطین تا بوسنی». این کار هم در همان فضا تعریف می‌شود. در این تابلو، فرم‌ها، رنگ‌ها و ترکیب، ایستایی خاصی ندارد و بیشتر در حرکت است. رنگ‌های درخشان، پر از تضاد و ترکیب‌هایی را می‌بینیم که می‌تواند بیننده را به خود مشغول سازد تا نگاهی در سراسر تابلو بچرخد و حتی بیرون از تابلو حرکت کند.

وی تصریح کرد: بارها گفته‌ام و باز هم می‌گویم که من به عنوان یک نقاش، نمی‌توانم فقط ساختارگرا باشم. همواره کوشیده‌ام که نسبت به مسائل اجتماعی و جهانی واکنش داشته باشم. در آثار من ردپای اعتراض به تمامی ناخرسندی‌هایی که در حرکت‌های اجتماعی در سراسر جهان پیش می‌آید، دیده می‌شود. از این منظر جغرافیا برای من اهمیت چندانی ندارد.

اسدی در پایان گفت: همه مردم در هر نقطه‌ای از جهان حق دارند که نفس بکشند، زندگی کنند و از زندگی خود لذت ببرند. این حق را هیچ کس نمی‌تواند از آنها بگیرد. من در تمام تابلوهایی که با این مضمون کار کرده‌ام، کوشیده‌ام که دیدگاه‌های خود را به وسیله خط، رنگ، سطح و ترکیب همه این‌ها با یکدیگر در خدمت موضوع قرار دهم. به اعتقاد من این موضوع است که ترکیب بندی یک کار را چه از نظر رنگ و چه از حیث ترکیب، انتخاب می‌کند نه برعکس.

وی بیان کرد: در واکنش به این ظلم، کوشیدم چند موضوع را به صورت تلفیقی در اثرم مطرح و بر آنها تاکید کنم. شکل اثر بنده از لحاظ ساختاری دارای پارادوکس‌های گوناگونی است. با بهره‌گیری از بیان نقاشی انتزاعی تمام تلاشم را به کار بستم تا حسی که شایسته و بایسته است را به بیننده منتقل کنم. با انسان‌ها و کودکانی که در این جنگ جان خود را از دست دادند، سمبلیک برخورد کردم و به جای آنها از پرند بهر گرفته‌ام. اسدی گفت: زحمت زیادی برای کارم کشیدم و در مجموع بیاید

که شاهد هیچ جنگی در دنیا نباشیم. فرقی نمی‌کند که این جنگ، سیاسی، ایدئولوژیک یا نژادپرستانه باشد. من به شدت از جنگ پرهیز می‌کنم؛ زیرا فجایع جنگ را از نزدیک لمس کرده و با آن زندگی کرده‌ام. دوستان بسیار خوبی را در جنگ از دست داده‌ام. جنگ، آوارگی،



تحقق اهداف انقلاب، مستلزم انسجام گروه های هنری است



به روایت مسعود نجابتی

فلسطین به سمع و نظر مردم برسد. و من فکر می کنم هنوز اذهان عمومی نسبت به ابعاد این مسئله روشن نیست گرچه ممکن است به شکل احساسی به خیابان بیایند و تظاهرات کنند. وی ادامه داد: به نظر من هر زمانی که ما وظایف خودمان در بحث جهاد را درست انجام دهیم نصرت خداوند شامل حال ما می شود و این وعده پیروزی همواره امیدبخش است. باید اشاره کنم، این وعده پیروزی با توجه به اتفاقات اخیر فلسطین و با توجه به ایمانی که در فضای جبهه مقاومت می بینیم، جلوه بیشتری یافته است. وی در مورد «گرافیک» و تأثیرات آن بر جامعه و نمود فعالیت هایی نظیر

مسعود نجابتی هنرمند پیشکسوت گرافیک و چهره سال هنر انقلاب با بیان اینکه از آغاز عملیات طوفان الاقصی آثار زیادی در فضای مجازی توسط هنرمندان تجسمی منتشر شده است، گفت: جمع شدن این آثار برای بینندگان خالی از لطف نیست ولی به نظر من برکات دیگری هم دارد، چون وقتی اثری در خلوت انسان شکل می گیرد مبتنی بر ایده و احساس شخص هنرمند است ولی وقتی ابداع اثر در جمع باشد قطعاً این همفکری و تعاملی که هنرمندان با هم دارند روی کارشان تأثیر می گذارد. وی ادامه داد: خودم با دوستان دیگر برای بحث ایده یابی مشورت دارم و این

امردر کارگاه هنری و همه کارگاه هایی که مادر سال های مختلف برگزار کردیم به طور کلی مرسوم است. نجابتی تأکید کرد: به نظر من موفقیت تقریبی کارهای گروهی در مقایسه با کارهای شخصی معنادار است؛ زیرا ما معتقد هستیم در این شرایط نباید کار احساسی صورت بگیرد هرچند که آن هم لازم است ولی اصولاً ما برای اغنا کردن اذهان عمومی و افکار عمومی جهان باید بیشتر به کار معنادار بپردازیم.

وی با بیان اینکه در این فضای جمعی و اتاق فکر دوستان دیگر هم قطعاً می توانند کمک بکنند، اظهار داشت: ما از دوستان ادیب و شاعر رشته های دیگر هنری هم می توانیم بهره ببریم و ان شاء الله بتوانیم آن اتفاق خوب را رقم بزنیم که یک روایت خیلی درست هنرمندانه از این وقایع داشته باشیم.

چهره سال هنر انقلاب تأکید کرد: هنرمندان در عرصه های مختلف به این مسئله پرداخته اند ولی شاید این کارها انسجام کافی را نداشته است، مثلاً تشکیلات و سازمان های هنری هرکدام به صورت جزیره ای کارهایی را انجام دادند ولی در این شرایط فعلی ما یک انسجام فکری لازم داریم که مسئله بسیار مهمی مثل مسئله



هفته هنر انقلاب بیان کرد: خوشبختانه گرافیک از دیرباز در این مرز و بوم سابقه داشته است، البته شاید اسم آن جدید است و از تمدن غرب گرفته شده است اما از نظر ماهیت و سابقه در تمدن ایران وجود داشته است. هر جا هنر در خدمت بشریت قرار دارد و یا در فضای زندگی حضور پیدا کرده به نوعی گرافیک اتفاق افتاده است. هم کتیبه های مساجد، هم آرایه های معماری در شهر اصفهان در زمره آثار گرافیکی محسوب می شوند نجابتی عنوان کرد: قصد گرافیک ایجاد یک فضای زیبا همراه با یک پیام معنوی و خاص به مخاطب خودش بوده است. امروز گرافیک همراه با فضای رسانه ای به صورت پیچیده تر با توجه به مسائل ارزشی و ضد ارزشی روز مطرح می شود و این هنر به خاطر ماهیت خود همیشه با مسائل روز همراهی کرده است.

وی تأکید کرد: فضای انقلاب اسلامی هم باعث شد که طیفی از هنرمندان متعهد با انگیزه های دینی و انقلابی این پدیده را در اختیار انقلاب و جامعه قرار دهند، مسائلی که از ارزش های انسانی مانند عدالت و استقلال و آزادی صحبت می کند، اینها در قالب پوستر، گرافیک شهری، گرافیک محیطی، کتاب و یا نشریات پیام خود را منتشر می کنند.

یک گرافيست جوان از بازخورد آثارش در فضای مجازی و دیده شدنشان در شبکه‌های اجتماعی گفت

به روایت حسن علیپور

برعهده می‌گیرد. علیپور با اشاره به فعالیت‌های جمعی مجموعه‌شان گفت: یکی از دوستان مان آقای کمیل پوراحمد، پوستری طراحی کردند و برای انتشار در فضای مجازی داخلی به «مکتب حاج قاسم» سپردند که بازخورد بسیار خوبی داشت و حتی در توییט علی اکبر رائفی‌پور هم مورد استفاده قرار گرفت. این گرافيست جوان در پایان افزود: در مجموعه فرهنگی هنری ما ذهنیتی شکل گرفته که در پی آن نقش آفرینی در حیطه‌های خاص برای ما مهم و ارزشمند شده است و همین امر باعث رشد و موفقیت در این حوزه گردیده.

حسن علیپور از طراحان و گرافيست‌های جوان در گفتگو با خبرنگار هنرآنلاین با اشاره به طراحی کار گرافیکی و دیوارنگاری درباره «عملیات صادق» گفت: ما مجموعه‌ای هستیم که در شرایط مختلف کشور تولید محتوا و اثر می‌کنیم. نهادهای فرهنگی با ما تماس می‌گیرند تا برایشان تولید فرهنگی انجام دهیم؛ به همین خاطر سازمان اوج ثبت سفارش پوستر را قبل از حمله ایران به اسرائیل به مجموعه ما دادند. علیپور ادامه داد: ما هنرمندانی داریم که اگر اتفاقی همچون عملیات «وعده صادق» در کشور رخ دهد؛ می‌توانند در فاصله کمی از آن اتفاق اثر خلق کنند. در مدت زمان کوتاهی با ایده پردازی جمعی ایده را طرح می‌کنیم و یک نفر تولید کار را



دیدن آثارمان در سنگ و حسینه‌های مناطق جنگی خیلی جالب بود

گفت‌وگو با مجید قادری

هم در کنار سایر هنرمندان فعالیت می‌کردم. جناب آقای قادری چگونه با خودتان به این جمع‌بندی رسیدید که فعالیت در حوزه طراحی و گرافیک را برای ترویج فرهنگ والای دفاع مقدس را انتخاب کنید.

هر کس در وجود خودش استعدادهایی را کشف و تلاش می‌کند آن ظرفیت و استعداد خود را پرورش داده و آن را به بروز و ظهور رساند. خب زمینه طراحی در بنده وجود داشت و جایی مثل حوزه هنری هم بود که بستر مناسبی برای ما فراهم می‌کرد. همانطوری که در دوران دفاع مقدس هر کسی بنا بر توانش مشغول در گوشه ای مشغول به کار می‌شد؛ ما هم کمترین سهممان این بود که بتوانیم در تقدیر از رزمندگان دفاع مقدس آثاری خلق کنیم. موضوع بخشی از آثار فرهنگ شهادت بود و بخشی از آثار هم به فرهنگ مقاومت و معارف اعتقادی انقلاب اسلامی اختصاص داشت.

در آن زمان مردم نسبت به این گونه از آثار چه بازخوردی نشان می‌دادند؟ عکس‌العمل مردم نسبت به این آثار برای ما بسیار شگفت‌انگیز و

در عین حال انگیزه بخش بود. باید خدمتان عرض کنم، ما همزمان با فعالیت فرهنگی، به منطقه هم می‌رفتیم و نقش‌های کوچکی در عملیات‌ها داشتیم. دیدن آثارمان در حسینه‌های مناطق جنگی و نمازخانه‌هایی که به صورت سنگ



درست می‌شد برای ما خیلی جالب و الهام‌بخش بود. عکس‌العمل رفقای رزمنده هم به ما انگیزه بیشتری می‌داد. مواجهه دیگر ما با مخاطب، نمایشگاه‌هایی بود که از آثارمان برگزار می‌شد و با استقبال قابل توجهی از مردم مواجه می‌شدیم. می‌توان گفت، ارتباطمان با مخاطب تنگاتنگ بود. آثار حوزه تجسمی در چندین نوبت چاپ می‌شد و مردم برای خرید بخش عمده‌ای از این آثار، هزینه می‌کردند. بعلاوه این آثار در کتابفروشیها و نمایندگی‌های سازمان تبلیغات عرضه و فروخته می‌شد. اثری فرهنگی که مردم برایش هزینه کنند یعنی با آن ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند.

آیا آثار شما در فضاهای جدید شهری مانند بیلبردها و دیوارهای شهر هم مورد استفاده قرار می‌گرفت؟

استاد مجید قادری هنرمند پیشکسوت هنرهای تجسمی از جمله هنرمندانی محسوب می‌شود که از فرهنگ انقلاب اسلامی تاثیر شایانی پذیرفته است. قادری سال‌ها در حوزه هنری آثاری با موضوع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خلق کرده است. او کشیدن تصویر شهدا را بخشی از توفیق اجباری خود در سال‌های دفاع مقدس می‌داند. مجید قادری که فارغ‌التحصیل رشته طراحی صنعتی دانشگاه تهران است بعدها در بخش «مدیریت سرگرمی‌های سازنده» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان مشغول به فعالیت شد و با طراحی و ساخت «عروسک‌های دارا و سارا» در کانون توجهات رسانه‌ها قرار گرفت. گفتگوی هنرآلای با مجید قادری در خصوص سال‌ها فعالیت هنری وی در جبهه انقلاب اسلامی را می‌خوانید:

جناب آقای قادری، فعالیت‌های تبلیغاتی و مطبوعاتی شما در دوران دفاع مقدس با چه هدفی انجام می‌شد و طی چه فرایندی به سرانجام می‌رسید؟ ایام دفاع مقدس دوره‌ای بود که بنده در حوزه هنری مشغول به

کار بودم. با توجه به فضایی که در آن برهه پیرامون فرهنگ شهادت و تبیین فرهنگ دفاع وجود داشت، بنده و همکارانم اقدام به طراحی و ساخت پوسترهای مختلف کردیم. ناگفته نماند که ما طراحی روی جلد آثار انتشارات حوزه هنری که موضوعات متنوعی داشت را

هم کار می‌کردیم. همچنین در مناسبت‌هایی مثل سالگرد آغاز دفاع مقدس و پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به برقراری نمایشگاه می‌نمودیم. می‌توان گفت آن زمان، تمام وقت مشغول و فعال بودیم و فعالیت‌مان هم کاملاً خودجوش بود. طبیعتاً به این دلیل که در آن دوره هنرمندانی که کار می‌کردند در مرام و عقیده، اشتراک نظر بسیاری داشتند، کارها به صورت خودجوش انجام می‌شد و سفارشی نبود؛ مسئولین و متصدیان حوزه هنری هم وظیفه‌شان این بود که آثار را چاپ و تکثیر کنند و امکانات اولیه تولید در بخش‌های مختلف هنری و ادبی مانند گرافیک، نقاشی، مجسمه‌سازی، نمایشنامه‌نویسی و ساخت فیلم را فراهم کنند. در واقع یک فضای پویای مؤثر در حوزه فرهنگ و هنر انقلاب به وجود آمده بود و من

دوره‌هایی مسئولین شهرداری تلاش کردند تا در جهت ارتقای ارزشهای فرهنگی جامعه کارهایی در فضای تجسمی شهر انجام شود اما حاصل این تلاش‌ها از لحاظ فنی و اجرایی ضعیف بودند.

من سوال آخرم را می‌خواهم در مورد شهید آوینی بپرسم که شما با ایشان همکاری داشتید؛ نگاه سید شهیدان اهل قلم، به هنرهای تجسمی چگونه بود و آن تجربه دو ساله همکاری با آقا مرتضی چه دستاوردی برای شما داشت؟

خب می‌دانید آقا مرتضی خیلی آدم جامع و کاملی بود، یعنی نسبت به وجوه معنایی و صورت هنر آگاهی کامل داشت. ایشان وقتی وارد حوزه مطبوعات و نشریات فرهنگی و هنری از جمله مجله و نشریه سوره و بعد از آن ادبیات داستانی شد، آگاهانه عمل کرد. این توانایی ایشان ناشی از بصیرت دینی و شناخت عمیقش از هنر و انسان بود. مجله سوره و ادبیات داستانی به لحاظ گرافیکی و محتوا کیفیت بالایی داشت و این نشانه‌دهنده نظارت و حضور پررنگ آوینی بود. به هر جهت ایشان معماری خوانده بود و کسانی که در رشته معماری تحصیل می‌کنند نسبت به هنرهای تجسمی و بصری اشراف دارند. اتفاقاً ایشان چند اثر مرا هم نقد کرده بودند، بعدها من متوجه شدم که سید مرتضی کتابی در مورد هنرهای تجسمی انقلاب هم نوشته است. پوستری ساخته بودم با موضوع قدس و فلسطین و ایشان خیلی آن کار را دوست داشت. یک تابلویی هم بعد از رحلت حضرت امام ساخته بودم که این تابلو رنگ روغن بود. ایشان کار را در نمايشگاه دیده بودند به بنده گفتند: آقا مجید اجازه می‌دهی که این کار شما را به روی جلد روی مجله سوره استفاده کنیم؟ گفتم آقا مرتضی اجازه ما هم دست شما است ولی برای من جالب است که این کار چشم شما را گرفته، گفتند این کار آن قدر روی من اثر گذاشت که به نظر من یکی از بهترین کارهایی است که درباره امام خمینی تولید شده. محتوای تابلو اینگونه است که روی دست امام پروانه‌ای نشسته. شهید آوینی این کار را خیلی دوست داشت؛ خود من هم خیلی دلی این تابلو را ساختم. ارتباط مردم هم خیلی خوب بود. در این اثر شما نه چهره امام را می‌بینید و نه امام را؛ ولی بدون استثنا هر کس این کار را دید بدون هیچ درنگی می‌فهمید آن شخصیتی که آنقدر عظیم است که در کادر گنجانده نمی‌شود امام راحل است و آنقدر این مرد لطیف است که پروانه‌ای که زودرنج و زودترس است، روی این دست مثل گل نشسته. این اثر خرداد ۱۳۷۰ روی جلد مجله سوره چاپ شد.

بله گاهی این اتفاق می‌افتاد. البته در آن زمان بیلبورد به معنای امروزی وجود نداشت؛ ولی آثار بنده روی دیوارهای شهرها چه در تهران و چه در شهرستانها توسط علاقمندان و کسانی که توانایی داشتند، در ابعاد چند برابر نقاشی می‌شد. حتی من بعد از پایان جنگ، یک سفر به لبنان رفته بودم و دیدم تعدادی از آثارم در بیروت روی دیوارها کشیده شده است. یکی از تابلوهای من به نام «سروقامتان» تا مدت‌ها آرم شروع و پایان شبکه دو سیما بود.

من یادم هست روی پاکت نامه‌هایی که در ایام دفاع مقدس مورد استفاده قرار می‌گرفت، طرح‌های شما نقش بسته بود.

بله، من در دوره‌های در قسمت تبلیغات لشکر حضرت رسول (ص) فعالیت داشتم، یادم هست یک طراحی انجام داده بود که فرم خاصی داشت، به شکلی که رزمندگان وقتی نامه می‌نوشتند، طرحی روی پاکت نامه بود که این طرح تصویرگر حرکت رزمندگان به سمت کربلا بود. باز شدن پاکت نامه هم نمایانگر تصویر قدس شریف بود. این طرح برگرفته از کلام حضرت امام بود که «راه قدس از کربلا می‌گذرد» و سالها مورد استفاده قرار گرفت.

بعد از دوران جنگ اشتغال فکری و عملی حضرتعالی چه بود؟

شهید آوینی بعد از پایان جنگ در حوزه هنری مجله‌ای به نام سوره راه اندازی کرد. بعد از استاد مصطفی گودرزی به دعوت سید مرتضی، حدود دو سال مسئول صفحه تجسمی مجله سوره شدم. بعد از شهادت آوینی، از حوزه جدا شدم و به دعوت برخی دوستان به کانون پرورش فکری رفتم و فضای کاری‌ام را تغییر دادم. این مسئله کاملاً عمدی بود و دیگر نمی‌خواستم در فضای مستقیم هنری باشم.

طرح‌های بزرگ تبلیغاتی که امروزه در شهر استفاده می‌شود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید الان تمام این کارها دست شهرداری است. بخشی مربوط به تبلیغات محصولات تجاری است که درباره آن صحبتی نمی‌کنم. ولی درباره آن بخشی از تبلیغات شهری که هدف فرهنگی دارد باید بگویم، که در این زمینه هم به لحاظ کیفیت و هم اجرا و محتوا خیلی بالا و پایین کار کرده‌ایم و عملکرد ما حائز نمره قابل قبولی نبوده است. در

مُرده‌ای دل که کبوتر به هم بسته...





مهم ترین مسئله هنر انقلاب مسئله نیروی انسانی است

گفت و گو با علی حیاتی

تخصصی هم داریم که این تخصص به تناسب دغدغه ها، انگیزه ها، روحیات و علاقه های یک جایی خودش را بیرون می ریزد. حالا اگر هنرمند باشم در قالب هنری خودش را نشان می دهد. اگر شما درباره واکنش هنرمندان نسبت به ((وعده صادق)) سخن می گوید باید این مطلب را در نظر داشته باشید که برخی واکنش هان نسبت به این اتفاق مصنوعی بود. زیرا دغدغه آن آدم ها آن موضوع نبود ولی بعضی ها واقعا مسئله شان بود و نسبت به این عملیات غرور انگیز نشان دادند. شما چند سالی است که در زمینه مدیریت هنری فعالیت می کنید. با توجه به سابقه فعالیتتان، هدف شما از ایجاد گروه هنری چه بود؟

من با توجه به دغدغه های شخصی ام پیش می روم. اگر هم روی موضوع فلسطین کار می کنم نشأت گرفته از دغدغه درونم است. در همین راستا چون انقلاب اسلامی را دوست دارم و بخشی از اعتقاد قلبی من است برایش کار می کنم. بنابراین از این منظر مثل همه آدم های دیگر بنده هم مسائل و دغدغه های خودم را دارم در راستای آن ها کار می کنم. رشد کمی و کیفی گروه هنری که شکل دادید را چگونه ارزیابی می کنید؟

تیم ما هم فراز و نشیب داشته؛ ما مسیری را شروع کردیم و شاید مثل خیلی از دانشجویان هنر که از دانشگاه فارغ التحصیل می شوند، سطح کارهای انجام شده در حوزه گرافیک را پایین ارزیابی کردیم. دغدغه ما مسائل فرهنگی است؛ در همین راستا سعی کردیم سطح این دغدغه فرهنگی را در نسبت با اتفاقاتی که در جهان رخ دادن است بالا ببریم. می خواستیم به سبک خودمان برسیم ولی بی تعارف می گویم هنوز به این هدف دست پیدا نکرده ایم. ما فعلا آن مطالبی که در دانشگاه با نگاه کردن به آثار بزرگان این رشته در سراسر دنیا یاد گرفتیم را تقلید می کنیم. ممکن است افرادی در کشورمان داشته باشیم که در کارهایشان به سبک خاصی رسیده اند ولی ما هنوز به سبکی نرسیده ایم و تلاش می کنیم

هنر انقلاب در طول سال های متمادی، فرازونشیب های زیادی را پشت سر گذاشته است. در این میان هنرهای تجسمی از زمان مبارزات انقلابی تاکنون همواره با خلق آثار درخور توانسته حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد. در سال های اخیر با ورود هنرمندان جوان، آثار مختلف و متنوع زیادی در باب موضوعات مختلف ثبت شده و توانسته اثرگذاری زیادی بر جامعه داشته باشد. علی حیاتی یکی از کسانی است که در عین جوانی سابقه زیادی در عرصه هنر انقلابی دارد. هیئت هنر و آتلیه ((سه در چهار)) دومحفل هستند

که حیاتی ایده های فرهنگی و هنری اش را در آنجا پیگیری می کند. او که مدیریت بخش پرچم و کتیبه جشنواره ((هنر مقاومت)) و طراحی پوسترهای معروف منع مصرف کالاهای اسرائیلی را در کارنامه دارد، سال هاست کار تولیدی و اجرایی را کنار گذاشته و در عرصه مدیریت هنری فعالیت می کند.

جناب آقای حیاتی اگر اجازه دهید گفتگویمان را با عنایت به واکنش هنرمندان گرافیکست به عملیات طوفان الاقصی شروع کنیم. به نظرتان این سرعت عمل و دغدغه هنرمندان انقلابی در دهه جدید از کجا نشأت می گیرد؟

ما یک عبارت کلیدی داریم که در مورد خیلی مسائل صدق می کند و آن هم این است که ((از کوزه همان برون تراود که در اوست)). ما خیلی تفاوتی نمی بینیم بین اینکه

بگوییم این هنر انقلابی است یا اینکه انقلابی نیست. مایک موجودی داریم به اسم هنرمند که این هنرمند دغدغه ها، نوع نگاه و نیازهایی دارد که اینها در

او تلنبار شده است و در موقعیت های مختلف این را به وسیله تخصصی که دارد بروز می دهد؛ اگر نقاش است در نقاشی، اگر فیلمساز است در فیلمسازی و اگر موسیقی دان است از بستر موسیقی برای زدن حرفش استفاده می کند. البته قصد من اشاره به دسته بندی بین هنر انقلابی و غیر انقلابی نیست. گرچه این دسته بندی وجود دارد. حرف من این است که من در قلب خودم با استدلال های خودم یک چیزهایی را قبول دارم و دوست دارم و یکسری موارد مسئله ام است و



است. استادانی مثل استاد نجابتی، استاد نیرومند، استاد شجاعی طباطبایی، استاد کشاورز و استادان دیگری که حالا من شاید نامشان در خاطر من نباشد. این استادان و بزرگترها از گذشته‌ای به ما می‌گویند که این تعداد هنرمند در آن زمان در رابطه با اینگونه مسایل و دغدغه‌ها برای کار کردن نبود ولی الحمدلله هنرمندان زیادی از نسل جوان به آن رغبت پیدا کرده‌اند. این همان مسئله‌ای است که در اول مصاحبه گفتم که دغدغه و انگیزه در آدم‌ها به وجود آمده و بعد دنبال ابزار برای بیانش گشتند و گرافیک یاد گرفتند تا حرف بزنند. این هنرمندان نیامدند گرافیک یاد بگیرند که فقط یاد گرفته باشند و این مسئله قابل توجه متفاوتی است.

سازماندهی اعضای گروه شما برای تولید اثر به چه شکل است؟
برخی هنرمندان انفرادی کار می‌کنند؛ یعنی خودشان ایده می‌دهند و برخی دیگر تیمی کار می‌کنند. ما اعتقادمان این است کار گروهی محمل مناسب‌تری در جهت رسیدن به هدف است. شما کمترین استفاده‌ای که از تیم یا گروه می‌توانید بکنید این است که به جای اینکه یک نفر اثر را قبل از انتشار ببیند، حداقل چند نفر می‌بینند و باز خورد می‌دهند و در پی آن ایرادهای کارتان را زودتر می‌فهمید و رفع می‌کنید. بعضی گروه‌ها هم بزرگتر هستند که به صورت رویداد یا یک کارگاه دسته جمعی اثر خلق می‌کنند. همانطور که اشاره کردید ما در لایه طراحان به لحاظ کمی رشد داشته ایم و در لایه مدیران هم مدیران جوان با انگیزه و دغدغه کم نداریم که همه‌شان سعی کردند کمک کنند. حالا برخی آدم‌های توانایی بودند و توانستند و برخی دیگر نتوانستند موفق باشند. ولی مسئله مهم در این راه خود هنرمند است. یعنی کسی که واقعاً دغدغه و هنر داشته باشد.

با توجه به ارتباطاتی که با نسل جدید هنرمندان گرافیک دارید، به نظر شما خروجی بچه‌های دانشگاه هنر رضایت بخش است؟

خیر. رضایت بخش نیست. ما با بچه‌های دانشجوی هنر خیلی صحبت می‌کنیم؛ افراد با استعدادی هم در این رشته هستند. اما متأسفانه در دانشگاه‌های هنر سطح تخصصی به شدت افت کرده. این امر دلایل بسیاری دارد و یک زخمی است که اگر بازش کنید خونش دیگر بند نمی‌آید. به هر حال سطح تخصصی در دانشگاه‌ها به دلایل مختلف افت کرده و به لحاظ مسایل سیاسی هم یک مقدار دانشگاه‌ها متفعل شده‌اند؛ یعنی ما آن شور و هیجان دهه ۷۰، ۸۰ را دیگر نمی‌بینیم.

یکی از دلایل این است که بیشتر استادان ما در دانشگاه هنری تعارف نگاه غربی داشتند و غرب‌گرا بودند و غرب‌گراها جامعه را از ادامه زندگی در ایران ناامید می‌کنند؛ لذا دانشجویان به مهاجرت ترغیب و افسرده می‌شوند. لذا چون امور دست آن‌ها بوده سطح آموزش افت می‌کند. حالا این هم فرصت است و هم تهدید؛ فرصتش این است که ما متوجه این اشکال می‌شویم و این ضایعه را جبران کنیم.

مسئولان فرهنگی و هنری در این شرایط چه وظیفه‌ای دارند؟

ببینید من خیلی شفاف گفتم شرایط کنونی جامعه از سال ۱۳۹۸ شرایط مطلوب طبقه متوسط شهری تهران نشین و متمایل به سبک زندگی غربی نیست؛ این وضعیت مطلوبشان نیست و دوست دارند مهاجرت کنند. ما با کمبود استاد متخصص با دغدغه‌های انقلابی مواجه شده‌ایم. ما باید استاد، دانشجو و دانش آموز تربیت کنیم، همه چیز بر می‌گردد به تربیت نیروی انسانی. این تربیت هم به لحاظ روحی و معنوی است هم به لحاظ تخصصی. یعنی اگر یکی باشد و آن یکی نباشد باز لنگ خواهد زد لذا مهمترین مسئله هنر انقلاب مسئله نیروی انسانی است.

با کیفیت باشیم و در خروجی‌هایمان به لحاظ کیفی سختگیر هستیم. صاحب سبک شدن در هنر کار راحتی نیست و ممکن است سال‌ها زمان ببرد. البته شما می‌دانید گرافیکی که معروف است به «گرافیک انقلابی»، سریع است و یک جورهای شبیه امداد خود در می‌ماند که باید سریع به موضوع برسد و کار کند و خروجی بدهد و همه اینها بر کیفیت کار، اثر منفی می‌گذارد.

فعالیت‌هایتان چگونه است؟

مجموعه ما یک مجموعه مستقل و آزاد است که با قسمت‌های مختلف همکاری دارد. بخشی از فعالیت ما به تربیت نیروی انسانی و حفظ جامعه مخاطبمان اختصاص دارد که در بستر «هیئت هنر» انجام می‌شود. اما بستر فعالیت تخصصی‌مان که در چاقوب طراحی پوستر و تبلیغات انجام می‌شود، کارگاه «سه در چهار» است. «سه در چهار» یک دفتر تخصصی و خصوصی است که در آن همه نوع ثبت سفارش، اعم از کار طراحی هویت بصری یک شرکت تازه تاسیس یا سفارش سازمان‌ها و ارگان‌ها، انجام می‌شود. یک مورد را هم اضافه کنم این مجموعه گاهی سفارش دهنده اثر ندارد و خودش در جایگاه تولید کننده قرار می‌گیرد؛ مثلاً «طوفان الاقصی» یا «وعده صادق» که پیش آمد، دوست داشتیم برای این دو اتفاق چند پوستر بزنیم و به صورت دلی کار کردیم.

پوسترهایی که با موضوع عملیات‌های «طوفان الاقصی» و «وعده صادق» طراحی شد، فاصله بسیار کمی از این دو عملیات داشت. این سرعت عمل از چه عاملی نشأت گرفت؟

واقعاً از روی دغدغه بود، وقتی زیرنویس شبکه خبر آمد که ایران موشک زده است. همان شب میکائیل براتی با من تماس گرفت و گفت می‌خواهم پوستر طراحی کنم و پرسید که رویکردش در این طراحی چه باشد. در مورد رویکرد با هم حرف زدیم و صبح طراحی‌اش تمام شد و تا صبح من به دو رویکرد دیگر رسیدم. در ادامه دورویکرد دیگر هم به ذهنم رسید و به آقای براتی گفتم و ایشان با سه نگاه طراحی انجام داد. یعنی در ظرف ۲۴

تا ۴۸ ساعت سه پوستر کار کردیم. همان زمان مهدی سرکانی که یک مدت در مجموعه «سه در چهار» بود و اکنون طراح آزاد است، پیام داد که من پوستری کار کرده‌ام که از نظر من آن کار فوق‌العاده‌ترین کار آن شب بود و «شب پرستاره قدس» نام داشت. جالب است بدانید حتی شهرداری تهران هم در تابلوهایش از آن استفاده کرد.

چه بازخوردهایی از پوسترهایی که بعد از «وعده صادق» کار شد، دریافت کردید؟

امروز به لطف فضای مجازی می‌توانیم باز خورد بگیریم؛ وقتی باز دیده‌ها و اشتراک‌گذاری‌های کار را می‌بینیم، دستان می‌آید که قدر کار موفق بوده‌است. البته میکائیل براتی قبل تر کارهایی خیلی موفق تر هم داشته است. به خاطر دارم وی اثری در نبرد «سیف القدس» داشت که من دادم به یکی از دوستانم که رابط فلسطینی داشت و برای اولین بار در توئیتر بالا آمد. یک روز صفحه توئیتر باز کردم و دیدم ۱۰۰۰ تا کامنت برای من آمده که بعداً فهمیدم اثر را صفحه یکی از مجریان تلویزیونی در فلسطین به اشتراک گذاشته و من را به عنوان طراح معرفی کرده است. خیلی از کارهای میکائیل براتی بوده که بازتاب‌های خوبی داشته است. مثلاً یک کار به نام «مثلث ابوعبیده» در واسط «طوفان الاقصی» کار کرده بود که صفحه شخص ابوعبیده هم آن را باز نشر کرد. البته اینستاگرام بعداً آن را حذف کرد ولی در صفحه ابوعبیده در تلگرام همچنان باقی است. طبیعتاً کاری که رنگ و بوی بین‌المللی و جهان اسلام داشته و زبانش عربی و انگلیسی باشد باز خورد بیشتری خواهد گرفت.

به نظر شما چه مسئله‌ای در سال‌های اخیر باعث شده جوانان به حوزه طراحی گرایش بیشتری پیدا کردند؟

تلاش استادان و بزرگترهای ما در این حوزه حتماً تأثیر مستقیم داشته



رشد عرصه گرافیک و طراحی در ۱۵ سال اخیر بی نظیر بوده است

گفت و گو با میکائیل براتی



بازدید زیادی داشت و در سطح بین المللی هم مورد توجه قرار گرفت (مثلاً ابو عبیده) بود که اجرای صفر تا صد آن با بنده و ایده آن از علی حیاتی بود. براتی افزود: ما معمولاً روی عکس هایی که ترند می شوند خوب مانور می دهیم، مثل یکی از عکس ها که پهباده ها داشتند و بالای سر حرم امام حسین (ع) پرواز می کردند. این عکس خیلی پخش شد. یا ویدیوئی دیگری که موشک ها روی مسجد الاقصی در حرکت بودند.

وی ادامه داد: اگر من کاری را انجام داده ام که مورد توجه قرار گرفته ثمره فضایی است که در آتلیه «سه در چهار» شکل گرفته و تأثیر علی حیاتی و دوستان دیگر در آن مشهود است. مثلاً صادق منصوری یکی از ایده پردازان اصلی «سه در چهار» است که همیشه در اتاق فکر ایده های جالبی می دهد. براتی افزود: پشت پرده بیشتر کارهایی که از ما می بینید و بر سر زبان ها افتاده ایده پردازی دوستان هست. این مسئله مهمی است که این کارها، کار گروهی بوده و کاریک نفر نیست بلکه کار یک مجموعه است.

این گرافیست در خصوص بازتاب کارهایش گفت: باز خورد یک کارم که مردم فلسطین دریا را شکافته بودند در بین فلسطینی ها خیلی تأثیر گذاشت. وی ادامه داد: رشد ما در عرصه گرافیک و طراحی بی نظیر بوده و در ۱۵ سال اخیر به لطف استاد نجابتی و دیگر استادان هنرهای مذهبی پیشرفت شایانی کرده ایم.

وقتی واقعه ای رخ می دهد، رسانه های طرف مقابل سریع آن را دست می گیرند و ما یک خلا بزرگی احساس می کنیم و دردی در سینه داریم که چطور جلوی انتشار اخبار غلط را بگیریم.

میکائیل براتی طراح و گرافیست در گفتگو با هنرآلین در خصوص نحوه ورودش به فضای هنری گفت: من از زمان کودکی در حوزه نقاشی فعالیت داشتم و علاقه به هنر باعث شد در دبیرستان و دانشگاه درس پویانمایی بخوانم و بعداً در این حوزه کار خود را آغاز کردم.

براتی ادامه داد: بنده در دانشگاه صداوسیما رشته انیمیشن و دیجیتال خوانده ام و حوزه فعالیت تم تصویرسازی به معنای واقعی در انیمیشن و بازی کامپیوتر و کارگردانی پویانمایی است. این هنرمند گرافیست ادامه داد: وقتی واقعه ای رخ می دهد، ما نمی توانیم دست روی دست بگذاریم تا یک عده حرف دروغ بزنند. بعد

علم و تجربه مان را به عرصه آوریم تا مثلاً در یک نصف روز به یک

خروجی برسیم که برای مخاطب قابل فهم و درک باشد. وی با بیان اینکه این یک مسئله تجربی بوده است، تصریح کرد: ما سالها روی این مسئله کار کردیم که اگر فلان اتفاق افتاد ما سریع واکنش نشان بدهیم و مخاطب را درگیر کنیم. براتی اضافه کرد: به نظر من آگاه سازی مهم است تا به این واسطه مردم به شکل عمیق تری اتفاقات را بررسی کنند و تحلیل داشته باشند. وی با اشاره به آثاری که درباره فلسطین طراحی کرده است، گفت: کاری که





اولویت اصلی ام در طراحی، فلسطین و مسائل سیاسی بود

گفت و گو با محمدرضا ملاحسنی

شهرداری تهران و حوزه هنری، شهرداری و سازمان تبلیغات استان البرز همکاری داشته‌ام. به نظرم در فضای گرافیک هم مانند مشاغل یا حوزه‌های دیگر اگر فردی تلاش و تمرین داشته باشد می‌تواند به آن نقطه مدنظرش برسد.

این گرافیکست جوان ادامه داد: من اکثر کارهایم را به صورت فردی انجام می‌دهم و خیلی کم پیش آمده کارهایم را به صورت گروهی انجام داده باشم. البته کارهایی که طی کار گروهی به نتیجه رسیده هم نتایج خوبی داشته است. هر کدام از کارها چه فردی و چه گروهی مزایای خودشان را دارند.

ملاحسنی با بیان اینکه کار اصلی‌ام طراحی پوستر و برندینگ است و گاهی اوقات تایپوگرافی هم انجام می‌دهم، گفت: چند ماه قبل دردی ماه ۱۴۰۲ پوستری در مورد فلسطین طراحی کردم که در جشنواره هنری تجسمی ایثار تهران مقام آورد. دلیل این موفقیت هم موضوع انسانی آن پوستر بود. من چند کار شاخص دارم که مقام آوردند؛ یکی از آن‌ها به نام «نابودی حتمی است» بود.

وی در پایان اضافه کرد: در کشورمان گرافیک به دو شاخه گرافیکی فرهنگی و گرافیک اقتصادی تقسیم می‌شود و دوستانی که در شاخه گرافیک اقتصادی فعال هستند، درآمد خیلی خوبی دارند و تقریباً می‌توانم بگویم چند برابر گرافیکست‌های فرهنگی می‌توانند درآمد داشته باشند ولی گرافیکست‌های فرهنگی علاوه بر درآمد متعادل و نسبی به عنوان یک هنرمند متعهد، تاثیرگذاری فرهنگی بسزایی در جامعه خود دارند.

گرافیکست فعال حوزه مقاومت به هنرآنلاین گفت: دوستانی که در شاخه گرافیک اقتصادی فعال هستند درآمد خیلی خوبی دارند و تقریباً می‌توانم بگویم چند برابر گرافیکست‌های فرهنگی درآمد دارند. ولی گرافیکست‌های حوزه فرهنگ علاوه بر درآمد متعادل و نسبی به عنوان یک هنرمند متعهد، تاثیرگذاری فرهنگی بسزایی در جامعه خود دارند.

محمدرضا ملاحسنی، از طراحان و هنرمندان گرافیکست در گفتگو با هنرآنلاین گفت: چهار سال است در این حوزه شروع به فعالیت کرده‌ام، ورودم به این کار به صورت اتفاقی بود اما بعدها این حرفه بخشی از زندگی‌ام شد.

وی ادامه داد: نیروی محرکه من در این مسیر این بود که با گرافیک می‌توانم یک تریبون داشته باشم و حرف خودم را بزنم. الان بیشتر کارهایم اجتماعی و سیاسی است و اولویت اصلی‌ام مسائل سیاسی به خصوص موضوع فلسطین است. ملاحسنی با برشمردن سوابق هنری‌اش اظهار داشت: در این مدت با حوزه هنری،



جنگ رسانه‌ای امروز، ظرفیت هنرمندان انقلابی را رشد می‌دهد

به روایت علی بخشایش

ادبیات‌سازی در این جمع صورت می‌گیرد که حلقه آخر آن کنش حسی و در لحظه هنرمند است.

بخشایش خاطرنشان کرد: علت واکنش سریع هنرمندان تقابل و تدافعی است که در این چند ساله اتفاق افتاده. چرا که در بدنه هنر انقلاب افراد بیشتر انقلابی‌های هنرمند هستند تا هنرمندان انقلابی. معنی حرفم این است که ما به علت دفاع از انقلاب وارد عرصه هنر شدیم و تا انقلاب اسلامی در معرض اتفاقی قرار می‌گیرد، آن وجه انقلابی بودنمان مقدم می‌شود. وقتی هنرمند انقلابی در لحظه حس می‌گیرد تا خلق اثر فاصله زمانی کوتاهی دارد و دیگر نیاز به سفارش نهاد یا سازمانی نیست.

بخشایش با اشاره به اهمیت «هنر از مردم برای مردم و توسط مردم» افزود: در این فضا سه حلقه تولید توزیع و مصرف مردمی است و هیچ سازمان واسطه ای نیست که سرعت را کند کند و یا کمی از حس آن کم کند.

این گرافيست با تاکید به بازتاب های بین‌المللی اینگونه آثار گفت: شبکه‌های اجتماعی عامل گسترش و پخش آثار رسانه‌ای شده‌اند، البته واکنش‌ها فقط در ایران نبوده است یعنی ما هنرمندانی از سایر کشورها هم داشتیم؛ مثل آقای کمال شرف یمن و دیگران که آثاری در این باره تولید کردند.

وی در پاسخ به این سوال که چه چیز باعث حضور و رشد جوان‌ها در حوزه گرافیک و آثار دیوارنگاری در سال‌های اخیر شده گفت: خاستگاه اصلی هنرمندان در حوزه هنر انقلابی، هیئت‌های مذهبی است و بعد از فتنه سال ۸۸ ما فهمیدیم در عرصه‌های هنری حضور موثر و قوی نداریم و پس از آن موجی راه افتاد.

وی گفت: در جنگ جهانی رسانه‌ای موجود، نیروهای مردمی انقلاب همانطور که در دفاع مقدس حضور داشتند ظرفیت خودشان را بروز می‌دهند و رشد می‌کنند. علی بخشایش، هنرمند تجسمی در گفت‌وگو با «هنر آنلاین» بیان کرد: ما مجمعی مردمی داریم که شعرا و اندیشمندان حوزه جنگ‌های ترکیبی و رسانه‌ای در آن حضور دارند و یک سری



تلفیق داستان ابابیل و پهپادها سوژه طراحی ام شد

به روایت بهنام شیرمحمدی



روزی تنبیه ابرهه با سچیل / روزی فرعون و موج طوفانی نیل
این وعده صادق است که می‌گفتم / تنبیه رژیم غاصب اسرائیل

وی اضافه کرد: بعد از صحبت به این نتیجه رسیدیم که از داستان ابابیل و تلفیق آن با پهپادها و موشک‌های مورد استفاده ایران در این حمله استفاده کنیم. شیرمحمدی با بیان اینکه آن زمان همه به دنبال انجام کاری بودند تا بازتاب این حرکت شجاعانه و غرورآمیز در فضای مجازی منتشر کنند گفت: بنده هم دست به قلم شدم و بعد از طراحی اولیه، تصویرسازی کار را شروع کردم. حدوداً ساعت زمان برد و کار الحمدلله مورد استقبال هموطنان ایرانی و حتی برادران عراقی قرار گرفت. وی تصریح کرد: البته باز هم در برخی از بخش‌ها کار هنری و گرافیکی حس می‌شود که امیدوارم در آینده، شاهد پیشرفت در این حوزه باشیم، چون زبان هنر زبانی است فرامرزی و بین‌المللی که از اثرگذاری ویژه‌ای برخوردار است.

هنرمند گرافیکست و حوزه تجسمی گفت: پی بردن به اهمیت کارهای هنری و گرافیکی در مواقع حساس و نیز اثرگذاری این موضوع در فضای بین‌الملل باعث شده کارهای با کیفیتی در این حوزه تولید و مورد استقبال واقع شود. بهنام شیرمحمدی از هنرمندان گرافیکست و حوزه تجسمی در گفتگو با خبرنگار هنر آنلاین با اشاره به نحوه طراحی پوستره‌های مربوط به عملیات «وعده صادق» گفت: نیمه شب، وقتی خبر حمله ایران به رژیم صهیونیستی، در فضای مجازی منتشر شد با اشتیاق مشغول پیگیری اخبار شدم و چند ساعتی از انتشار خبر حمله گذشته بود که برای طراحی پوستر، از طرف موسسه آب و آینه خوزستان به من پیام دادند.



ایده اثرم را از مصاحبه نتانیاهو گرفتم

به روایت علی لادن



اصطلاحاً نیش کار زیاد شد تا اثرگذاری اش بالا برود. وی در ادامه پیرامون بازخورد آثارش بیان کرد: از اخباری که می شنیدم می دانستم که پاسخ ایران قطعی است من این کار را آماده داشتم و بعد از عملیات «وعدۀ صادق» منتشر کردم. لادن افزود: چون دیدم این عملیات اتفاق مهمی هست و نباید این خبر به فراموشی سپرده بشود سعی کردم دو روز تمام وقتم را بگذارم که یک یا چند کار خوب تولید شود.

یک طراح و کاریکاتوریست از کارها و فعالیت هایش در فضای مجازی گفت. علی لادن از کاریکاتوریست های جوان در گفتگو با خبرنگار هنر آنلاین درباره ایده پردازی آثارش گفت: ایده ها در بیشتر مواقع ناگهانی به ذهن می آیند. درباره اثری که بعد از عملیات «وعدۀ صادق» کشیدم باید بگویم قبلاً مصاحبه ای از نتانیاهو دیده بودم و همین باعث شد کاریکاتوری که موشک در دهان نتانیاهو رفته را بکشم. اغراق این کاریکاتور را زیاد کردم و



خلاقیت در زمینه تصویرسازی دینی باعث شد به این بخش روی بیاورم

به روایت سمیه کشاورز



گفت: همان شب حمله و به صورت دلی و ضربتی کار را طراحی کردم به این شکل که بچه‌های حوزه هنری استان گیلان به من ایده دادند و من هم آن ایده را پروراندیم و در نهایت کار تولید شد. این گرافیست با تاکید بر اهمیت فضای فکری هنرمندان در خلق اثر هنری گفت: در زمان اربعین سال ۱۴۰۰ که کرونا فراگیر شده بود، اثری گرافیکی تولید کردم که بازخوردی جهانی داشت. این اثر در کشورهایی لبنان و ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی بازخورد خوبی پیدا کرد و در بیشتر خبرگزاری‌ها باز نشر شد. وی در پایان با ذکر این نکته که تصویرسازی کتاب کودکان در ایران همیشه کیفیت خوبی داشته است، تصریح کرد: در حوزه لوازم التحریر و طراحی جلد دفتر مشق در چند سال اخیر خیلی رشد کرده‌ایم و توجه به کارهای ایرانی و ترویج فرهنگ ایرانی باعث شده که کارها با خلایق بیشتر و کیفیت بهتری ارائه شود.

در زمان اربعین سال ۱۴۰۰ که کرونا فراگیر شده بود، اثری گرافیکی تولید کردم که بازخورد جهانی داشت. طراح و تصویرگر حوزه کودک گفت: من به خاطر خلا در زمینه گرافیک و تصویرسازی دینی و مذهبی در کشور به این بخش روی آوردم و بیشتر کارهایم در حوزه کودک و نوجوان و با مضمون عفاف و حجاب است. سمیه کشاورز در گفتگو با هنر آنلاین با اشاره به بایسته‌های کار گرافیکی در حوزه مذهبی و تصویرسازی کتاب کودک بیان کرد: در آثار هم وجوه فرهنگی و هم اعتقادی را مدنظر داشته‌ام؛ با توجه به جدید بودن این فضا در کشورمان، بسیاری از تولیدکنندگان نوشت افزار و پوشاک از این جنس کارها خوششان می‌آید. کشاورز با اشاره به طراحی پوستری درباره عملیات «وعدۀ صادق»،

قداست و انرژی نقاشی خط قرآنی را کاملاً حس کرده و دیده ام

گفت و گو با زهرا باقرنژاد



حال تدریس هم که باشید طعم شیرین یادگیری و میل دانستن در درون تن خاموش نمی شود، مخصوصاً اگر بخواهید در همان زمینه ای که در حال تدریس هستید خودتان را به روز نگه دارید. من الان در هنرستان درس هنر خط گرافیک و صفحه آرایی را تدریس می کنم و اینکه شما همزمان درس بدهید و هم یاد بگیرید به شما در میزان موفقیت و به روز نگه داشتن خودتان کمک می کند. من در خارج از حیطه دانشگاه هم در کلاس های آزاد استاد نقاشیان شرکت کردم تا از علم و هنر ایشان دوباره بهره ببرم.

تعریف شما از نقاشی خط چیست؟

به ترکیب هنر خوشنویسی و نقاشی، نقاشی خط گفته می شود. در واقع در این شیوه با ترکیب کردن کلمات و رنگ ها و تکنیک های مختلف، شیوه های جدید و خلاقانه ایجاد می شود که تلفیقی از هنر سنتی و مدرن است و برای انجام این کار از خط های زیادی استفاده می کنند؛ از جمله خطوط سنتی مثل: نستعلیق، ثلث، شکسته، شکسته نستعلیق و خطوط مدرن و جدیدی که به تازگی توسط هنرمندان ابداع شده و خیلی از آنها استقبال شده است. تمامی این ترکیب ها و تکنیک های اجرایی متفاوت و ابزارها و ماده های مختلف، آثار جدید و متفاوتی را ایجاد می کنند که با ایده ها و خلاقیت های هنرمندان ترکیب می شود و سبک ها و روش های گوناگونی را ایجاد می کند. شیوه ای که بنده کار می کنم، پیرو مسیر استادام است و با استفاده از خطوط شمس، معلی و عمودی نویسی هست که همه این ها الهام گرفته و برگرفته از خط معلی و خط بنایی است که می شود

گفت که پایه خط شمس، خط جانان و خط نشاط است که بسیار خط های خاص و جذابی هستند. با توجه به باز خوردی که گرفته می شود و استقبال خیلی زیادی از این خطوط شده است، بسیار جای کار دارد برای این که این هنر بهتر دیده شود.

درباره ریشه تاریخی این هنر هم توضیح بفرمایید.

ریشه تاریخی نقاشی خط در واقع برمی گردد به نخستین نقاشی هایی که به دست بشر روی دیوار غار ها کشیده شده است. یکی از مهمترین دستاوردهای انسان های غار نشین نقاشی است که با خطوط ساده و طرح های اولیه، موضوعاتی را در طول روز با آن در ارتباط بودند اعم از حیوانات، ابزار که در پیرامونشان بوده، شکری که انجام می دادند و حتی ظروفی که استفاده می شد را ترسیم می کردند.

بعد از اینکه جوامع انسانی گسترش پیدا کرد این تصاویر خلاصه تر شد و

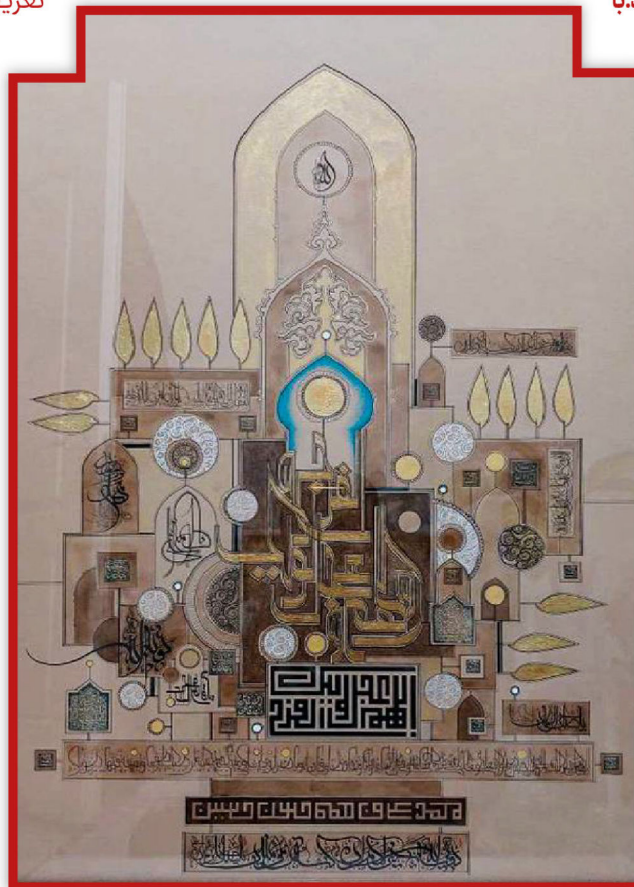
زهرا باقرنژاد هنرمند جوان نقاشی خط است که تابلوی نقاشی خط او با عنوان «منجی» در شانزدهمین نمایشگاه هنرهای تجسمی فجر در میان ۱۶ اثر منتخب جشنواره قرار داشت؛ همین اثر همزمان با ایام نیمه شعبان سال گذشته، در آیین تجلیل از پدید آورندگان آثار هنری، در نمایشگاه شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با حضور مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ مورد تقدیر قرار گرفت. او معتقد است هنوز در اول راه خلق آثار هنری است و بخش زیادی از حضور و توفیقش در عرصه نقاشی خط را مرهون آشنایی اش با استاد سعید نقاشیان در دانشگاه و شاگردی در محضر او می داند.

او در باب علت علاقه مندی اش به نقاشی خط و وضعیت کنونی این هنر در سپهر فرهنگ و هنر کشورمان بگفتگوشستیم.

گرایش و علاقه شما به هنر و گرافیک از کجا شکل گرفت؟ رشته تحصیلی من از دوره متوسطه تا دانشگاه ارتباط تصویری یا گرافیک بود و بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه وارد حوزه گرافیک شدم. همزمان با تحصیل، پروژه های مختلفی که مربوط به زمینه های مختلف رشته گرافیک بود را کار می کردم و سفارش می گرفتم. به عنوان یک گرافیست علاقه زیادی به آموزش داشتم و ضمن پرداختن به هنر گرافیک شغل معلمی را برای خودم انتخاب کردم و در حال حاضر هم مشغول به تدریس در هنرستان و دانشگاه هستم.

علاقه شما به این سبک از نقاشی خط که به نوعی تلفیق خطاطی و گرافیک است از چه زمانی درونتان پدیدار شد؟

علاقه مندی من از همان زمان هنرستان شکل گرفت، من در آن زمان خیلی به درس «خط در گرافیک» علاقه مند بودم و این درس برای من خیلی جذابیت داشت. بعد که وارد دانشگاه شدم واحدهای درسی مرتبط با کاربرد گرافیک توجه مرا جلب کرد. بعضی از اساتید درس های مربوط به خوشنویسی و کاربرد خط در گرافیک را تدریس می کردند. یکی از موثرترین اساتیدی که در این حوزه تدریس می کردند دکتر محمد سعید نقاشیان بود که در کارشناسی ارشد افتخار شاگردی ایشان نصیب من شد و از همان زمانی که استاد با ما از انواع خطوط صحبت کردند و کاربردشان را گفتند و مبنای این خطوط را به ما آموختند و آموزش آکادمیک را با ما شروع کردند، علاقه من به نقاشی خط به شدت افزایش پیدا کرد و باعث شد این هنر را پی بگیرم و روی این موضوع متمرکز بشوم. من بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه مشغول به تدریس شدم، اما شما در



زمان خیلی به درس «خط در گرافیک» علاقه مند بودم و این درس برای من خیلی جذابیت داشت. بعد که وارد دانشگاه شدم واحدهای درسی مرتبط با کاربرد گرافیک توجه مرا جلب کرد. بعضی از اساتید درس های مربوط به خوشنویسی و کاربرد خط در گرافیک را تدریس می کردند. یکی از موثرترین اساتیدی که در این حوزه تدریس می کردند دکتر محمد سعید نقاشیان بود که در کارشناسی ارشد افتخار شاگردی ایشان نصیب من شد و از همان زمانی که استاد با ما از انواع خطوط صحبت کردند و کاربردشان را گفتند و مبنای این خطوط را به ما آموختند و آموزش آکادمیک را با ما شروع کردند، علاقه من به نقاشی خط به شدت افزایش پیدا کرد و باعث شد این هنر را پی بگیرم و روی این موضوع متمرکز بشوم. من بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه مشغول به تدریس شدم، اما شما در

ابزارآرادت هنرمند به ساحت مقدس قرآن و کلام خدا و حتی اعتقاد و نگاه هنرمند به واژه‌ها و کلامی که دارد که در کار استفاده می‌شود تاثیر خیلی زیادی دارد. این موضوعات انرژی و نور و برکتی دارد که کار را خیلی خاص و متمایز می‌کند. من به شخصه در کارهایی که پایه معنوی دارد این قداست را حس می‌کنم و برکت آن را کاملاً لمس کرده و و اثر آن را دیده‌ام.

علت استقبال جوانان در این سال‌های اخیر از نقاشی خط را در چه چیزی می‌دانید؟

نگاه‌های مدرن و نوآورانه‌ای که در این زمینه به وجود آمده است و گستردگی خطوط جدید و به کارگیری فرم‌های خاص و طراحی‌های خاصی از آن‌ها و حتی متریال‌ها و تکنیک‌های خاص که در این هنر تلفیق شده، باعث استقبال جوان‌ها از این هنر شده است. من خودم به شخصه افرادی را می‌شناسم که در این حوزه نه تخصصی دارند نه مشغول به کار هستند و اصلاً دروادی هنر هم سیر نمی‌کنند اما به خاطر آرامش روح و ایجاد حال خوب قدم در این رشته و شاخه‌های هنری می‌گذارند و ایام فراغتشان را با بازدید از موزه‌ها و بازدید از نمایشگاه‌های مختلف که بخشی از آن می‌تواند همین نقاشی خط باشد، طی می‌کنند. حتی افرادی هستند که از کلاس‌هایی آموزش خوشنویسی و نقاشی خط استفاده می‌کنند برای اینکه ساعت‌هایی را فارغ از فشارها و مشکلات روزمره سپری کنند.

در کدام کشور استقبال از نقاشی

خط بیشتر است؟

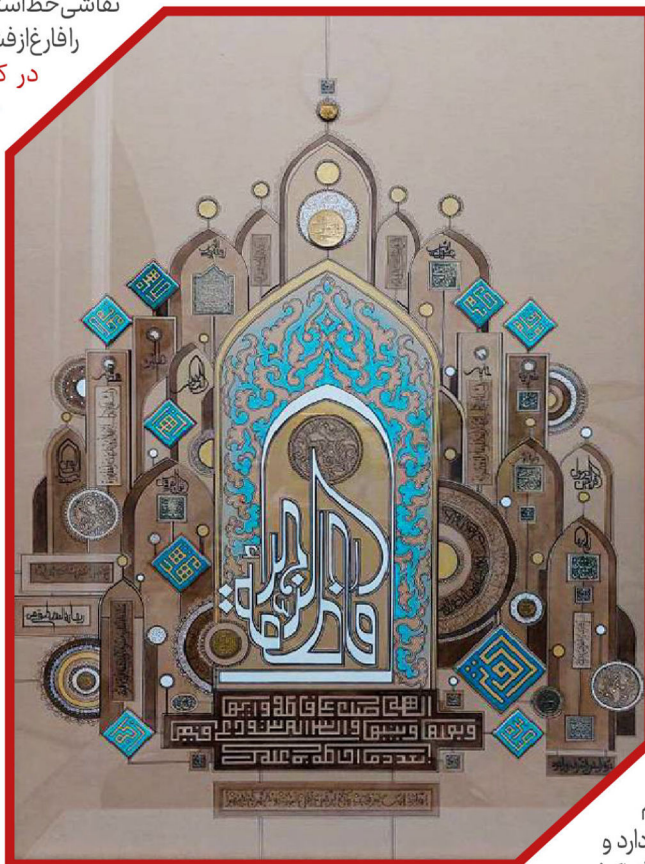
بنده خیلی در این زمینه نظر تخصصی نمی‌توانم بدهم اما با توجه به اخباری که می‌شنویم در کشورهای مسلمان و عرب زبان خیلی از این مدل کار و از این در واقع شاخه هنری که نقاشی خط باشد استقبال می‌شود. مخصوصاً در کشورهای عرب زبان مثل قطر، امارات و ترکیه بخاطر اشتراکات فضاهای قرآنی و کلام خدا استقبال از این هنر خیلی زیاد است و خب هنرمندان مسلمان در کشورهای مختلف با توجه به اقلیم، خلاقیت، نوآوری، فرهنگ و آداب و رسوم‌شان می‌توانند کارهای خیلی خاص و متمایزی ایجاد کنند که بسیار جذاب است. آثار هنرمندان ایرانی همیشه در سلیقه و در ظرافت متمایز و خاص بوده است.

تا کنون از کدام کار شما استقبال

بیشتر شده است؟

من این افتخار را داشتم که در سال ۱۴۰۲ در شانزدهمین نمایشگاه

هنرهای تجسمی فجر در شاخه خوشنویسی و گرایش نقاشی خط یک اثر منتخب از نگاه داوران جشنواره داشته باشم که موضوع کارم حضرت ولی عصر (عج) و نام اثرم «منجی» بود. اجرای این کار خیلی اتفاقی انجام شد یعنی اصلاً قرار نبود این طرح به این نقطه‌ای که الان رسیده است برسد. در واقع من یک اتودی زدم برای عبارت «اللهم عجل لولیک الفرج» و این اتود را آوردم محضر استاد نقاشیان تالیپان بیندو و اگر مشکلی دارد تصحیحش کنند و خدا را شکر استاد من را بسیار تشویق کردند و بعد از تایید پیشنهاد دادند که این کار به صورت گسترده تر طراحی و اجرا شود. در واقع بعد از حمایت و تشویق استاد من این کار را در ابعاد بزرگتر با طراحی تکمیلی و گسترده تر اجرا کردم و خوشبختانه آنقدر آثار و برکات خوبی داشت که می‌توانم بگویم در جشنواره فجر جزو کارهای مورد تایید بود و حتی در زمینه آثار مهدوی جشنواره فجر از این اثر تقدیر شد که همه اینها لطف آقا صاحب الزمان (عج) و در واقع تایید نگاه ایشان بود. افتخاری بود که نصیب شد و خیلی از بابت خوشحالم برای من آرزویی است که بتوانم در این مسیر قلم بزنم و اثری ایجاد کنم.



ابزارهای مختلفی که برای ایجادش استفاده می‌کردند باعث شد که سرعت در اجرای آن‌ها افزایش پیدا کند و آن بیان مقاصد از فرم‌های تصویری و ترسیمی خارج شود و به فرم‌های انتزاعی مبدل گردد. این روش به تکمیل شدن خط کمک کرد و تحولی را در نگارش به وجود آورد که از این طریق ما می‌توانیم به مرحله تکاملی خط و پیدایش الفبا برسیم. بعد از آن هم جوامع مختلف گسترش پیدا کرد و ما در مشرق زمین خط آرامی را داریم که از این خط به خطوط دیگری که خط کوفی در واقع برگرفته شده از خط آرامی است به وجود آمد. آن هنرمندی که اقلام سته را تنظیم کرده «ابن مقفله بیضاوی» شیرازی یک هنرمند ایرانی و وزیران دربار عباسی، بوده است. خطوط شش گانه شامل خط نسخ، خط ثلث، خط محقق، خط ریحان، خط توقیع و خط رقاع است.

به مرور زمان از این خطوط استفاده‌های مختلفی شد. در صدر اسلام بر روی ظروف سفالی و ابزارهای روزمره از این خطوط استفاده می‌کردند. بعدها در قالب‌های مختلف از خطوط استفاده شد. مثلاً در دوره سلجوقی مرغ‌بسم الله داریم که در واقع شروع ترکیب فرم یا نوشتار نقاشی بوده است که آهسته آهسته وارد موارد

کاربرد روزمره افراد شده است و روی لباس‌ها، زره‌ها و ابزارهایی که در طول روز با آن در ارتباط بودند. این فرم‌ها در قالب‌های مختلف ایجاد می‌شد. نقاشی خط را ما از آن دوران داشته‌ایم و در سده‌های مختلف پیشرفت کرده و به شیوه امروزی که ما الان می‌بینیم درآمده است. در دهه ۶۰ به این هنر پرداخته شده است و هنرمندانی چون رضامافی، فرامرز پیلارام، پرویز تناولی و صادق تبریزی پیشگامان هنر نقاشی خط بودند و بعد از آن اساتیدی همچون استاد افچه‌ای، استاد احصایی و استاد جلیل‌رسولی کمک کردند که این هنر پیشرفت کند و در جامعه هنری بهتر دیده شود. بعد از آن هم هنرمندان دیگر علاوه بر حفظ و پاسداری از خطوط سنتی خطوط جدید را ابداع کردند. مانند استاد عجمی که خط معلی را ابداع و شاگردان ایشان مانند استاد محمد سعید نقاشیان خطوط دیگری را خلق کردند که همه این خطوط هم قانونمند است و هم نظم خودش را دارد و ترکیب‌بندی‌های خیلی خاصی می‌شود از آنها گرفت.

چه چیز باعث شده در سال‌های اخیر در سطح داخلی و بین‌المللی به نقاشی خط توجه بیشتری شود؟

در سال‌های اخیر به خاطر نوآوری و خلاقیتی که در خطوط به وجود آمده و در واقع به خاطر مدرن بودن این هنر یک سری خطوط جدید ایجاد و تکنیک‌های اجرایی دخیل شده است. استقبال از این کار چه در ایران و چه خارج از ایران به شدت زیاد شده است. حالا در ایران ممکن که ما یک سری فرم‌ها و خطوط را بشناسیم و حتی برایمان در آن اثر خوانا باشد. خیلی وقت‌ها در قالب فرم، ما این نوشته‌ها را می‌بینیم قطعاً در جوامع بین‌المللی که فارسی بلد نیستند بیشتر از نوشته، فرم و رنگ و تنوع در طرح‌های نوشتاری است که این جذابیت را ایجاد می‌کند و استقبال زیادی از آن می‌شود.

تفاوت بین نقاشی خط قرآنی با نقاشی خط شعر چیست؟

تفاوت بین نقاشی خط قرآنی و موضوعات دیگر که نقاشی خط دارد این است که محتوایی که در این کارها داریم دارای قداست است و در واقع

پوستر نمایانگر جشن ملی ایرانی هاست / خانواده و پرچم عناصر تداعی کننده خلیج فارس هستند

گفت‌وگو با فاطمه حسینی

هرآنچه که خانواده‌ها در زندگی خود دارند از همین دریاست، دریایی که نامی جاودان دارد، خلیج همیشه فارس.

طراح پوستر خلیج فارس گفت: اهمیت گرافیک در زندگی ما انکارناپذیر است و پوستر یکی از محصولات این رشته است که حاوی پیامی مشخص برای مخاطبان مشخص است.

فاطمه حسینی، گرافیست و طراح در گفتگو با هنرآلین درباره پوستر خلیج فارس که در برج آزادی رونمایی شد گفت: سفارش اثر را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داد و من پس از یک هفته این پوستر را طراحی کردم. ابتدا مطالعه‌ای پیرامون «روز ملی خلیج فارس» انجام دادم و پس از آن طرح اولیه کار را براساس مولفه‌های استخراج شده طراحی کردم.

این طراح و گرافیست ادامه داد: باید از آقای خراسانی‌زاده مدیرکل اداره هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکر کنم که در مناسبت‌های ملی-میهنی از توانایی طراحان جوان استفاده می‌کنند و با سفارش اثر، جایگاه هنر در تبلیغ و ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی را نمایان می‌سازند.

حسینی با بیان اینکه دریا برای اهالی بندر و ساکنین خلیج فارس، سراسر زندگی است، گفت: هرآنچه که خانواده‌ها در زندگی خود دارند از همین دریاست، دریایی که نامی جاودان دارد، خلیج همیشه فارس.

وی تاکید کرد: عناصر به کار رفته در طراحی این پوستر بر همین اساس انتخاب شد و هرآنچه زندگی را تداعی می‌کند در آن نمایش داده شده است. این عناصر عبارتست از خانواده، پرچم، موجودات دریایی، کشتی، قایق و عناصر گردشگری که برای مخاطبان غیر ایرانی هم تداعی‌گر خلیج فارس است.

حسینی ادامه داد: ۱۰ اردیبهشت روز جشن خلیج فارس است و این پوستر نمایانگر جشنی ملی برای ایرانی‌هاست. وی با اشاره به سابقه طراحی پوستر با موضوع خلیج فارس گفت: جشنواره پوستر خلیج فارس چند دوره برگزار شد و مجموعه آثار این جشنواره سالیان سال از سوی مخاطبان ایرانی داخل و خارج از کشور مورد استفاده قرار گرفته است.

این گرافیست جوان در ادامه تصریح کرد: هنر، در دنیای امروز تبدیل به رسانه ای جهان شمول شده است. با توجه به همه‌های سیاسی در رسانه‌های جهانی، پدافند غیرعامل، نیازمند هنرمندانی است که محتوای مناسبی را در اختیار افسران جنگ نرم قرار دهند و با هرگونه هجمه رسانه‌ای در برابر منافع ملی و میهنی مقابله نمایند.

حسینی ادامه داد: هنرمندان ایرانی به این درک رسیده‌اند که در مسائل مختلف ملی و میهنی، واکنش نشان داده و مخاطبان را آگاه سازند و این آگاهی، باعث ایستادگی در برابر هرگونه تجاوز به تاریخ این آب و خاک است، نمونه این ایستادگی را در «وعده صادق» مشاهده کردیم.

خلیج فارس، مهد زندگی




**PERSIAN
GULF DAY**

دهم اردیبهشت ماه
روز ملی خلیج فارس

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور هنری
اداره کل هنرهای تجسمی



تلاش کردم اصالت و قدمت خلیج فارس را به تصویر بکشم

گفت و گو با مهران پندار

وی خاطرنشان کرد: ما گروهی به نام «طراحان آفتاب» داریم که کارشان تولید پوستر و توانمندسازی گرافیکست های مستعد و جوان است. ما هر ساله ۱۰ اردیبهشت به مناسبت روز ملی خلیج فارس تولیدهای گرافیکی داشته و داریم. در کنار ما هم ارگان ها و استودیوهای مختلف طرح هایی را تحت عنوان خلیج فارس تولید می کنند. سه سال پیش جشنواره ای تحت عنوان خلیج فارس و صلح برگزار شد و در آنجا هم آثار خوبی از طراح های کشور جمع شد.

پندار با اشاره به تاثیرگذاری زبان هنر در دنیا، تاکید کرد: هنر زبان مشترک بین ملل مختلف و آدم های گوناگون است. ما یکسری اطلاعات داریم که آن را در قالب پوستر به عموم مردم نشان می دهیم. حالا ممکن است مخاطب خارجی باشد و این اطلاعات را نداند ولی با نگاه کردن چند ثانیه ای به پوستر می تواند محتوای یک ساعت سخنرانی یا چند صفحه کتاب را درک کند.

این هنرمند ادامه داد: هنر این قابلیت را دارد تا در زمان کم به شکلی شکیل تر و خوش رنگ و لعاب تر، مفهوم را به مخاطبش برساند.

پندار در پایان گفت: به عنوان یک هرمزگانی می گویم که باید کمی درباره خلیج فارس و جزایر آن و اهمیتی که در گذشته، حال و آینده داشته و دارد بیشتر گفته شود. این وظیفه بر عهده هنرمندان است که با محتوای بهتر و دایره مخاطبان گسترده تر به موضوع خلیج فارس بپردازند.

طراح پوستر روز ملی خلیج فارس گفت: تلاش کردم در طراحی این اثر به شکلی اصالت و قدم هزاران ساله خلیج فارس را به تصویر بکشم به همین خاطر از فضای کاشی کاری و محیط کاملاً ایرانی در کار استفاده کردم.

مهران پندار، طراح و گرافیکست در گفتگو با هنرآنان بیان کرد: من در زمان ایده یابی این اثر، طی یک یا دو روز به جمع بندی رسیدم، اساساً ما طبق خواسته کارفرما به سراغ ایده یابی می رویم و با توجه به موضوع، یکسری ایده ها به ذهنمان می رسد.

پندار اضافه کرد: در موضوع خلیج فارس و روز ملی خلیج فارس چالشی که پیش می آید این است که یکسری از دولت های منطقه می خواهند به نحوی این اسم را بدزدند. ما باید نشان بدهیم هر چقدر بخواهند از رسانه های خودشان و هر قدرتی که دارند استفاده کنند در نهایت خلیج فارس برای ما است. همانطوری که از قدیم در نقشه های تاریخی نام خلیج فارس آمده است.

این هنرمند گرافیکست ادامه داد: قاعدتاً وقتی اصالت و ایرانی بودن به میان می آید یک سری عناصر

خودش را نشان می دهد. مثلاً کاشی کاری و نقوشی که در پوستر مشاهده می کنید و رنگهایی که می بینید مختص هنر ایران است.

پندار افزود: من خودم در هرمزگان ساکن و همجوار خلیج فارس هستم و حس مالکیت به اینجا دارم.



ایده‌هایمان درباره فلسطین از دل و جان‌مان می‌آید

به روایت سید محمد جواد طاهری

وجود خودش را صرف موضوع کند و نسبت به فلسطین و دفاع از مظلوم احساس وظیفه داشته باشد ایده‌پردازی‌هایی از دل و جان شکل می‌گیرد. این گرافیست جوان ادامه داد: من از سال ۱۳۹۵ با مجموعه‌هایی مثل «باشگاه طنز جبهه فرهنگی انقلاب» که آموزش طنز به بچه‌های انقلابی انجام می‌دهند ارتباط دارم و چون این بچه‌ها خبره کار طنز هستند و از خیلی مسائل و اولویت‌های زندگیشان گذشته‌اند و خودشان را وقف طنز کردند، اهمیت طنز بیشتر از قبل به چشمم آمد.

طاهری در انتها افزود: با تلاش و از خودگذشتگی بچه‌های انقلابی، خیلی‌ها متوجه اهمیت طنز شدند و به طنز و کاریکاتور گرایش پیدا کردند و این فضاهای جدید باعث شد ما با رشدی در فضای تولید و اقبال مردمی مواجه شویم.

طراح و کاریکاتوریست جوان سید محمد جواد طاهری توضیحاتی درباره ایده‌پردازی و کشیدن طرح‌هایی درباره فلسطین و عملیات «وعده صادق» ارائه کرد.

سید طاهری کاریکاتوریست و از هنرمندان جوان در گفتگو با هنرآنلاین با اشاره به نحوه طراحی چند پوستر درباره عملیات «وعده صادق» گفت: اخیراً یک کار در مورد نتانیاهو و کاری هم راجع به پادشاه اردن منتشر کردم؛ البته این کارها را از قبل کشیده و آماده کرده بودم. ما خیلی رویاپردازی داشتیم و بالاخره این رویاپردازی‌ها در عملیات «وعده صادق» محقق شد.

وی ادامه داد: ما برای رسیدن به ایده معمولاً اتفاقات را رصد و برای شروع کار با ترندهایی معمول شروع به ایده‌پردازی می‌کنیم.

طاهری با بیان اینکه چیزی که در اینگونه آثار تفاوت دارد، انگیزه است، بیان کرد: در واقع شاید این ایده‌ها کلیشه‌ای به نظر بیاید اما وقتی انسان تمام





در ونیز عواطف انسانی مردم ایران را به رخ دنیا کشیدیم

به روایت محمد خراسانی زاده

تامین مالی حضور کشورمان در «دوسالانه هنر ونیز» ماجرای پیچیده‌ای است. شایان ذکر است طی این شصت دوره و این ۱۲۰ سالی که این رویداد برپا می‌شود، سهم بسیار اندکی به حضور کشورمان اختصاص پیدا کرده است، به شکلی که ما تا پیش از دوره شصتم صرفاً توانسته بودیم در ۹ دوره حضور داشته باشیم. دو دوره از این ۹ دوره پیش از انقلاب بوده که البته به نظر می‌رسد آن حضور هم با صرفاً با شرکت هنرمندانی از کشورمان بوده است نه حضوری با نام رسمی ایران. هفت دوره اما با نام رسمی ایران در این رویداد شرکت کردیم که گاهی این مشارکت با نام برخی بنیادها و اشخاصی که صرفاً نمایندگی کشور را به عهده داشتند اتفاق می‌افتاد. اما به لطف خدا در دوره شصتم «بینال» با ساز و کار رسمی حضور پیدا کردیم. دوره‌هایی بوده است که مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ که مثل بنده سرپرست موزه هنرهای معاصر هم بوده، طی مصاحبه‌هایی به بدهی‌هایی که به واسطه رویدادهای مختلف بر عهده‌اش بوده اشاره کرده است. سنگینی هزینه‌های برپایی یک پوایون اصلی در ونیز همواره جزئی از دغدغه‌های اصلی مدیر وقت بوده و همین عامل را اصلی‌ترین دلیل عدم مشارکت در دوسالانه ونیز برشمرده است.

جالب است در دوران گذشته که چنین سخن‌هایی از زبان مدیر کل تجسمی وقت گفته شده، قیمت ارز بسیار کمتر از زمان حال بوده است. البته روابط سیاسی ما با بعضی از کشورهای اروپایی که مواضع غیرمنصفانه و شبه‌خصمانه‌ای بر ضد کشور ما داشتند هم بر سختی حضور ما در این رویداد افزوده بود. این مسئله در کنار مشکلات مالی حضور ما در «بینال» را تا مرز غیرممکن بودن پیش برده بود. شایان ذکر است که ما در دوره

ماجرای حضور جمهوری اسلامی ایران در شصتمین دوسالانه هنر ونیز، ماجرای جذاب و بیادماندنی است. ماجرای که بایستی از باب درد دل، ثبت در تاریخ و برای کسانی که از فضای بیرون، مسائل را می‌نگرند و لازم است عرصه تجسمی را بهتر بشناسند و با موانع، مصائب و مسائل آن آشنا شوند، بازگو شود. بنده به عنوان کسی که هنرخوانده‌ام و معلمی هنر را در جایگاه یک عضو کوچک هیئت علمی بر عهده دارم، ظرفیت و جایگاه «دوسالانه هنر ونیز» را به عنوان مهم‌ترین و باسابقه

ترین رویداد تجسمی در جهان را به خوبی می‌شناختم. به همین دلیل از همان آغازین روزهای آمدنم بر حضور کشورمان در این رویداد هنری بین المللی پافشاری کردم و مدام به دنبال تامین مالی و تمهیدات شرکت در آن بودم. متأسفانه تا آخرین روزهایی که فرصت حضور در این دوسالانه فراهم بود، هیچ بودجه‌ای برای آن پیش‌بینی نشد؛ اما جا دارد از برادرم دکتر اسماعیلی تشکر کنم که پا به پای خطر کردن بنده، ایشان و آقای سالاری معاونت هنری هم خطر کردند و در روزهای آخر دی ماه که روزهای پایینی اعلام شرکت کشورها در رویداد ونیز محسوب می‌شد، طی نامه‌ای رسمی به رئیس ستاد بینال، بنده را به عنوان رئیس غرفه جمهوری

اسلامی ایران در شصتمین «دوسالانه هنر ونیز» معرفی کردند. این اتفاق در برهه‌ای رقم خورد که به شدت درگیر برپایی شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر بودیم. در کنار پیچیدگی و سختی کار ستادی، پرداختن به تکمیل سند هنرهای تجسمی و بازنگری دستورالعمل نگارخانه‌ها که یک پایه بسیار مهم برای فعالیت‌های تجسمی است، باید به طور خاص به رویداد بسیار مهم «بینال» هم می‌پرداختیم. ماجرای



را انتخاب می‌کردیم. به لطف خدا یکی از آماده‌ترین و مناسب‌ترین مجموعه‌هایی که به چشم آمد و قابل ارائه بود، انتخاب و تکمیل شد و اکنون در ونیز در حال نمایش است. موضوع اصلی این مجموعه، کودکان غزه است. البته وقتی این مجموعه را جهت نمایش در «بینال» انتخاب کردیم، تصویری از اتفاقات امروز و قیام دانشجویان در اروپا و آمریکا علیه ستمکاران صهیونیست نداشتیم و فکر می‌کردیم تنها هستیم. اما پای این حرف حق و این مجموعه بسیار ارزشمند هنری که توسط هنرمندان طراز اول کشورمان خلق و هنرگردانی شده است، ایستادیم. در دوره برگزاری نمایشگاه فشار علیه رژیم جعلی صهیونیستی آنقدر زیاد شد که این رژیم پاپیون رسمی خود در دوسالانه را بازگشایی نکرد و تجمعات متعددی در مقابل این غرفه شکل می‌گیرد. این اتفاق موید این است که حرفی که مردم و رهبران حکیم جمهوری اسلامی ایران در ۴۵ سال گذشته زدند به تمام دنیا رسیده است و در موضع‌گیری های ۴۵ روز گذشته مردم دنیا هم تجلی یافته و این پرچم به دست آزادگانی از سراسر دنیا رسیده است و خدا را بابت این بیداری انسانی شکر می‌کنیم. با همه مشقات‌هایی که هنوز هم ادامه دارد، با افتخار پرچم جمهوری اسلامی ایران در مهم‌ترین رویداد هنری دنیا برپا شده است. دیگر از این جا به بعد مهم نیست چه اتفاقی برای بنده و پشتیبانان این رویداد خواهد افتاد. مهم این است که ما در ونیز حضور داریم و بر سر حرف حق خود ایستاده و بخشی از عواطف انسانی مردم ایران را به رخ دنیا کشیده‌ایم و به این موضوع افتخار می‌کنیم. این حضور یکی از ظرفیت‌های حقیقی هنرهای تجسمی برای بیان آرمان‌های حقیقی و فطری همه انسانهاست. به امید آنکه فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی ما در چنین رویدادهایی همواره درخشان و بر سر زبان‌ها باشد و فرصتی فراهم کند تا چرخه اقتصاد هنر هنرمندان عزیز، نجیب و ارزشمند هنرهای تجسمی ایران بیش از پیش پر رونق‌تر شود.

۵۹ این رویداد هم شرکت نداشتیم و عدم حضور ما در شصتمین دوسالانه، می‌توانست پنجره حضور ایران در مهم‌ترین رویداد هنرهای تجسمی را برای همیشه ببندد و این برای جامعه هنری کشور یک اتفاق بسیار ناخوشایند تلقی می‌شد. ما دو گزینه پیش رو داشتیم، یکی حضور در «بینال» با وجود سختی‌های بسیار و دیگری، زدن قید حضور در این رویداد بین‌المللی هنری برای مدتی طولانی. ناگزیر به سمت گزینه اول رفتیم و با توکل به قدرت الهی راه را طی کردیم. نکته قابل توجه این است که علی‌الرغم تلاش‌های خوبی که در وزارت فرهنگ شد، دیگر دستگاه‌ها آن طور که باید و شاید یاری‌رسان ما نبودند. جالب است بدانید که بعضی ایرانیان ساکن اروپا جانانه پای کار آمدند. جا دارد تشکر کنم از ایرانیانی که در اروپا ساکن بودند و به صورت استقرایی به ما یورو دادند تا بتوانیم مکان مختص خودمان برای رویداد را فراهم و ساختمانی را برای این کار اجاره کنیم و ما هنوز بعد از دو هفته به این عزیزان بدهکار هستیم. البته باید اشاره کنم متأسفانه کشور ایتالیا روادید را برای برخی دست‌اندرکاران ایرانی صادر نکرده است. ما برای انتخاب بهترین‌ها جهت حضور در رویداد ونیز، شورایی متشکل از کسانی که واقعیت هنرهای تجسمی در کشور را به خوبی می‌شناسند تشکیل دادیم. جمع‌بندی این جلسات این بود که باید به سراغ مجموعه حاضر و آماده‌ای از یک کار نمایشگاه‌گردانی شده برویم، زیرا در فضای ونیز آثار تک به تنهایی مسئله نیست. بعضی از بنده دلیل انتخاب شدن برخی هنرمندان و آثار را می‌پرسند و این سوال به کاستی سطح توجه و نگاه‌ها به عرصه هنرهای تجسمی برمی‌گردد. پاسخ اما واضح است، همانطور که در فضای سینما کارگردانی یک اثر موضوعیت اصلی را دارد، در حیطه هنرهای تجسمی هم هنرگردانی دارای اهمیت است و حضور تک تک هنرمندان مسئله اصلی نیست و اولویت بعدی به حساب می‌آید. بنابراین ما باید از بین روایت‌های آماده، یک مجموعه



جانشین مدیرمسئول: ایمان علی محمدی
سرمدیر: عباس گل
تحریریه: فاطمه صوفیانی، احمد محمد تبریزی،
محمد حسین خدایی
عکس: محسن سیاح گرجی، حسین خلیق
طراح: احمد حقیقت

